خبر

دو پیشنهاد برای جلوگیری از ریزش بیشترِ مخاطبانِ سریال‌های تلَویزیونی

بخش فرهنگی – طبق روال هر ساله، صدا و سیما آمارهای میزان مخاطبان ویژه برنامه‌ها وسریال‌های مناسبتی خود را منتشر کرده است و ارقامی که ویژه برنامه‌های ماه رمضان این سازمان را در پایین‌ترین حد جذب مخاطب قرار می‌دهد و سریال‌های آن را در خوش بینانه‌ترین حالت ممکن ۳۰ درصد پایین‌تر از مشابه آن در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد.

تلویزیون برنامه سازی مناسبتی، به شیوه کنوی را، پایان دهه هفتاد آغاز نمود؛ سریال‌های که ابتدا اپیزدیک بودند وبعد با رویکرد متفاوت به آثار قصه گویی تبدیل شدند که عمدتا ماجراهای شان در خلال ایام آن مناسبتی گذشت؛ همزمان شبکه‌های یک، دو، سه و پنج سریال‌های روتین شبانه را نیز به برنامه‌های خود اضافه کردند و پخش آثار از هر هفته یک بار به کنداکتور شبانه تبدیل شد؛ دیگر بهای بیشتری به مسائلی مانند تیتراژ پایانی داده شد و با همکاری نسل اول پاپ موسیقی کشور آثار پرمخاطب و یا به اصطلاح هیت برای این سریال‌ها سروده و خوانده شد.

این رویکرد دقیقا در زمان گسترش دیش‌های ماهواره، نگرانی دولت و برخورد شدید با این موضوع بود؛ حتی سعی شبکه‌ها بر این بود که همه آثار در یک ژانر و ریتم تولید نشوند؛ بر همین اساس هر شبکه ژانر خاصی را بر تولید در نظر می‌گرفت و در اوایل دهه هشتاد ژانرهای پا به تلویزیون گذاشتند که تا آن زمان تولید نشده بودند؛ در نتیجه نمونه‌هایی از ژانرعاشقانه، هارورماورایی، طنز، کمدی ماجراجویانه، تعقیب و گریز، درام، کمدی موقعیت در آن زمان با آزمون وخطاهایی تولید شد که با اقبال مخاطب همراه بود.

از جمله کارگردان‌هایی که اوایل دهه هشتاد هر سال آثار متفاوت و جوان پسند برای تلویزیون داشت؛ قاسم جعفری بود که نام آن تا نیمه دوم دهه هشتاد تضمینی بر اقبال مخاطب برای آن پروژه محسوب می‌شد؛ سیروس مقدم، علیرضا افخمی، سعید سلطانی، حسین سهیلی‌زاده دیگر سردمداران این جریان بودند.

رضا عطاران نیز با ساخت کمدی‌هایی از دل جامعه، مسیر نوینی را در ساخت سریال‌های کمدی برای افراد بعد از خود مانند سعید آقاخانی رهنمود شدند.

تلویزیون در نیمه دوم دهه هشتاد فصل تازه‌ای را در تولید محتوا آغاز کرد؛ تعداد آثار تولیدی سازمان بالا رفت و گاها شبکه‌ای در دو بازهه زمانی سریال روی آنتن می‌برد برای مثال شبکه ۳ یک سریال کمدی ساعت ۲۰:۳۰ پخش می‌کرد و یک درام خانوادگی در ساعت ۲۳؛ حتی آنقدر دستش در ارائه آثار باز بود که گاها دو سریال برای یک مناسبت تولید می‌شدند و پس از بازبینی قسمت‌های اولیه توسط مدیران یکی از آن‌ها در کنداکتور مناسبتی جای می‌گرفت.

اما این رویکرد در سال‌های ابتدایی دهه نود تغییر کرد؛ بودجه صدا و سیما با تحولاتی مواجه شد؛ برخی از شبکه‌ها گروه فیلم وسریال شان کم کار تراز قبل و یا حتی راکد شدند؛ برخی از بازیگرانی که از طریق صدا و سیما تبدیل به یک چهره شده بودند به ستارگان پول ساز سینما بدل شدند و دیگر حاضر نبودند به هر قیمتی به تلویزیون برگردند.

با آغازسریال سازی در شبکه نمایش خانگی کم کم کارگردان‌ها و برنامه سازهای تلویزیون که سرمایه‌های اصلی این جریان بودند کوچ کردند؛ افرادی، چون مهران مدیری، محمدحسین لطیفی، سامان مقدم و حسن فتحی به تولید سریال برای نمایش خانگی مشغول شدند؛ مدیومی که این فرصت را به خالق اثر می‌داد که بتواند قصه اش را با فراغ بال بیشتری تعریف کند و حتی ملموس‌تر به جامع اش نزدیک شود؛ بدون این که ملزوم به رعایت برخی خطوط قرمز تلویزیون باشد و در آخر نگرانی کسری بودجه و توقف چندماهه تصویربرداری نیز نباشد.

گسترش زیرساخت‌های هر چه بهتر بسترهای اینترنتی و همچنین محبوبیت شبکه‌های اجتماعی عرصه را برای صدا و سیما تنگ‌تر کرد؛ چه درست و چه نادرست اینستاگرام به عنوان یک رسانه به میدان آمد و ذائقه مخاطب را تغییر داد.

مخاطب این روزها به دنبال کشف موضوعات ناپیدا می‌گردد و تمایل دارد با سرعت هر چه سریع‌تر به خوراکی بکر دست یابد؛ او با سریال‌های روز جهان آشنا شده و همزمان با پخش جهانی اش به تماشای آن می‌نشیند و به مفاهیم آن فکر می‌کند؛ و وقتی مخاطب سریال‌هایی مانند فرندز که بیش از ۱۵ سال از اتمام آن گذشته است مواجه می‌شود و آثاری را می‌یابد که در طول ۱۵ ساله گذشته ساخته شدند؛ مستقیم و غیر مستقیم از آن سریال الگوگرفتند و گاهاعین به عین قصه آن را روایت کردند؛ هشیارتر از قبل برای چشمانش خوراک انتخاب می‌کند و به تماشای هر اثری نمی‌نشیند.

تلویزیون در مقطع کنونی به دو استراتژی نیاز دارد؛ اول چهره سازی، باید روی جوان‌های با استعداد سرمایه گذاری شود تا با کمبود بازیگر حرفه‌ای مواجه نشود؛ برای این کار می‌تواند از الگوهای مرسوم سینمایی استفاده کند و در عوض از بازیگران تعهد بگیرد تا برای سازمان باقی بمانند به بیان دیگر بازیگرانی را برای خود استخدام کند و با آن‌ها قرار داد بلند مدت ببندد. دومین قدم که مهم‌ترین آن است، اتاق‌های متعددی برای جذب ایده و پرورش آن تشکیل دهد و فیلمنامه‌های جذاب اورجینال برای خود تولید کند تا با ساخت آثار جذاب مخاطب از دست رفته را به بازگشت متقاعد کند.

در نهایت باید گفت بزرگترین بهانه تلویزیون بودجه است. اما اولا با این حجم آگهی‌ها و تبلیغات کمبود بوجه ندارد و ثانیا ساختار ادرای اش چاق است و باید لاغر شود تا چابک‌تر بشود. پس مشکل در بودجه نیست مشکل اصلی در نداشتن ایده و مدیریت قوی است.

ادامه «وارش» در سیستان یا گیلان؟

بخش فرهنگی – کارگردان سریال «وارش» گفت: قصه ای که در زمان قبل از ورود به شمال و داستانی که در سیستان می گذشت، برای مخاطب جذابیت بیشتری داشت و اگر قرار باشد فصل بعدی را بسازیم قصه را از سیستان شروع می‌کنیم. «احمد کاوری» کارگردان سریال «وارش»، درباره تولید این سریال در فصل‌های بعدی گفت: در حال حاضر متنی برای ادامه این سریال نوشته نشده است. وی ادامه داد: سازمان صداوسیما برای ادامه این سریال تمایل داشت اما فعلا ایده و طرحی که بتوان آن را اجرایی کرد به دستمان نرسیده است.

این کارگردان در پاسخ به اینکه قصه فصل بعدی «وارش» در چه فضایی است؟، بیان داشت: فکر می‌کنم قصه‌ای که در زمان قبل از ورود به شمال و داستانی که در سیستان می‌گذشت، برای مخاطب جذابیت بیشتری داشت و اگر قرار باشد فصل بعدی را بسازیم قصه را از سیستان شروع می کنیم و با شخصیت هایی مثل یارمحمد که یکی از کاراکترهای دوست داشتنی مخاطبین بود پیش می رویم.

سریال «وارش» به کارگردانی احمد کاوری و تهیه‌کنندگی محمودرضا تخشید و بازی بهنام تشکر، علیرضا کمالی نژاد، ساناز سماواتی، نسرین بابایی، الهام طهموری، علیرضا جلالی تبار و ... سال گذشته از شبکه سه پخش شد.

نویسنده «تئاتر بی‌حامی امروز»:

تئاتر اگر عقب باشد، یک ملت عقب است

بخش فرهنگی – محمود طیاری گفت: کارهای بنیادی همانند تئاتر اگر عقب باشد به این معنی است که یک ملت عقب است و اگر جلو باشد از بیدار چشمی مردم حرف می‌زند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) محمود طیاری، نویسنده پیشکسوت حوزه تئاتر با هشت نقد و یک گفت‌وگو و علیرضا طیاری با هجده یادداشت تئاتری مولفان مشترک کتاب «تئاتر بی‌حامی امروز» هستند. این کتاب، معرفی و نقد ۲۶ اثر نمایشی اجرایی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷ را در برمی‌گیرد.

محمود طیاری، در گفت‌وگو با ایبنا درباره کتاب «تئاتر بی حامی امروز» گفت: این کتاب شامل دو بخش می‌شود که در هر دو فصل درباره تئاتر دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. بخش اول نقد و آنالیز هجده اجرایی که در طول چند سال اخیر روی صحنه رفته‌اند را دربرمی‌گیرد که پسرم علیرضا طیاری آن‌ها را نوشته است. در این میان علاوه بر نقد و بررسی نمایش‌ها به کلیه عوامل اجرا از تهیه کننده تا کارگردان تا بازیگر پرداخته و در هرمتنی معرفی شده است.

وی در ادامه بیان کرد: بخش دیگر کتاب نیز به دهه هفتاد برمی‌گردد و کارهای اجرایی در همین رشت مدنظر بوده است. در این فصل من به هشت اجرا پرداخته‌ام و موقعیت و جایگاه خود اثر، نویسنده، کارگردان و بازیگر و موفقیت‌هایشان را نیز مدنظر قرار داده و در کتاب «تئاتر بی حامی امروز» هم ثبت شده است.

این نویسنده درباره نام کتاب، «تئاتر بی حامی امروز» اظهار کرد: درواقع نوعی هشدار است به کسانی که در حوزه هنری و فرهنگی جایگاه و مسئولیت‌هایی دارند. برخی از آن‌ها بسیار برای کارهایی که چندان ماندگار نیست جانفشانی می‌کنند؛ ولی کارهای بنیادی و بنیانی همانند تئاتر اگر عقب باشد به این معنی است که یک ملت عقب است و اگر جلو باشد از بیدار چشمی مردم حرف می‌زند.

محمود طیاری همچنین گفت: آنچه که به راستی تجربه و دیده شده بچه‌هایی هستند که بدون هیچ چشم‌داشتی کار می‌کنند و به ندرت کسی پیدا می‌شود که حال یکی‌شان را بپرسد یا حتی کار را تماشا کنند. در این کتاب به ۲۶ کار اجرایی و عوامل آن نگاه شده است؛ یعنی به همین تعداد کارگردان نیز معرفی شدند.

در بخشی از متن یادداشت تئاتری تاخت بی باخت! آمده است:

«آیا زمانه به کار قربانی کردن ارزش‌های انسانی، مُجمل در قباحت نازل‌ترین اعمال حیوانی است که رد سرخ خونش را هر روز صبح می‌توان در صفحه حوادث روزنامه‌ها از قتل نفس تا مقاتله‌های به روز شده پی گرفت؟»

نویسنده دیگر کتاب علیرضا طیاری نیز در گفت‌وگو با ایبنا در پاسخ به این سوال که با توجه به این که امروزه سطح مطالعه مردم ما کم شده، آیا فکر می‌کنید این کتاب می‌تواند بر تعداد مخاطبان تئاتر افزون کند گفت: وقتی دارید غرق می‌شوید برای نجات به هر سویی دست می‌برید. اگر چه همه می‌دانیم معجزه‌یی در کار نیست؛ اما این کتاب تلاشی است برای جلب توجه همگان به مهجوری تئاتر.

وی همچنین اظهار کرد: خالی ماندن سالن‌های تئاتر از تماشاچی می‌تواند برایندی از تصمیم‌های نادرست کلان و عدم فرهنگ‌سازی بین مردم باشد. اگر درک درستی در بینش عمومی از جایگاه تئاتر به لحاظ روشنگری در بازسازی ناگفته‌ها و حقیقت‌جویی داشته باشیم؛ صد برابر شدن سالن‌های تئاتر از مطالبات اصلی مردم می‌شود.

این نویسنده و منتقد با اشاره به این که آگاهی بر چگونگی هستی از ادراک بی‌واسطه و دریافت روابط انسان و پیرامونش به دست می‌آید گفت: از آنجا که این شناخت با بازسازی عینی روی صحنه از پیش اندیشیده، نگاشته و اجرا می‌شود؛ تئاتر کوتاه‌ترین مسیر را برای تکامل خرد جمعی پیشنهاد می‌کند. ما بیش از سخن درمانی ناصحان زمانه به اشتراک درد نیازمندیم. جامعه ما از درجازدگی ممتد، رنجور از زخم بستر فرهنگی در دور باطل زمانه رو به افول است که می‌توان مظاهرش را در کف شهر دید.

وی افزود: برای مثال در پرخاش دو راننده تاکسی در رقابت برای گرفتن یک مسافر در خیابان ببینیم و دردا که موارد این چنین از آنجا که در میدان دید ما هستند، قابل رصد می‌شوند و چه فریادهای خاموشی در فراسوی بدنه اجتماع از فقر، اعتیاد، بی‌عدالتی، پشت دیوارها و درهای بسته در بغض‌های فروخورده پنهان مانده و این جاست که تئاتر ناب (مبتنی به متون ادبی پرمایه که از ذخایر تئاتر ملی ماست.) با برداشتن دیوار جهل بین تماشاچیان و زندگی بازآفرینی شده، فرصت دوباره نگری جامعه به خودش را می‌دهد. (آینه‌یی برابرآینه‌ات می‌گذارم تا از تو ابدیتی بسازم./ شاملو)

علیرضا طیاری در پایان گفت: تئاتر بخش جدا نشدنی زندگی است؛ به بازیگران دهر که بنگریم؛ می‌بینیم بی‌لکنت و مو به مو سرنوشت نامکتوب شان را بازی می‌کنند. از آنجا که گوشت از ناخن جدا نمی‌شود، بر این باورم تیشه بی‌توجهی به ریشه تئاتر نمی‌تواند این ققنوس آتش زاد را بمیراند. ما از این تاریکی عبور خواهیم کرد، چرا که فرداها از آن ماست. کتاب «تئاتر بی حامی امروز» نهیبی است از بطن جامعه و درد آشنایی که به اشتراک گذاشته می‌شود؛ ما اگر صدای هم را نشنیده بگیریم، تنها تر از اینی که هستیم می‌شویم.

انتشارات سمام کتاب «تئاتر بی حامی امروز» اثر محمود طیاری و علیرضا طیاری را در ۱۵۸ صفحه و با قیمت ۳۰۰۰۰ تومان منتشر کرده است.

«جیران»، قصه ای درباره زنان دربار ناصرالدین شاه

سریال در انتظار پایان کرونا

بخش فرهنگی – تهیه کننده سریال «جیران» گفت: با توجه به اینکه بخشی از کارهای پیش تولید این سریال را قبل از کرونا انجام دادیم در حال حاضر هم منتظر هستیم که بعد از اعلام شرایط عادی تولید سریال را آغاز کنیم و این سریال متوقف نشده است.

حسن فتحی یکی از کارگردان هایی است که در این سالها در هر مدیومی موفقیت خوبی را نزد مخاطب بدست آورده است، از همسایه ها گرفته تا پهلوانان نمی میرند و مدار صفر درجه تا شب دهم و میوه ممنوعه. از آن سمت هم در سینما فیلم کیفر و پست چی سه بار در نمی زند از جمله آثاری بودند که با اقبال عمومی خوبی مواجه شدند.

** شهرزاد عاشقانه ای با بیان اتفاق های مهم تاریخی

شهرزاد اولین سریال فتحی در شبکه نمایش خانگی بود. سریالی عاشقانه که در بستر تاریخ معاصر روایت می شد و فتحی در جریان ملودرامی که در داستان قرار داد به بیان اتفاق های مهم تاریخی در دهه ۳۰ و ۴۰ پرداخت. کودتای ۲۸ مرداد، برکناری مصدق و ... از جمله این اتفاق ها بود. بعد از موفقیت فصل یک این سریال، در فصل های بعدی هم ادامه پیدا کرد اما نتوانست جذابیت فصل ابتدایی را برای مخاطب داشته باشد. حسن فتحی با پایان بندی این سریال تعجب بسیاری از مخاطبین این سریال را برانگیخت و خیلی ها از پایان بندی این سریال رضایت نداشتند. همچنین اتفاق های حاشیه ای که برای تهیه کننده این سریال رخ داد شهرزاد را از ذهن مخاطبان پاک کرد.

** تولید «بامداد خمار» تکذیب شد

فتحی بعد از تولید سه فصل از این سریال و با تمام حواشی و حوادثی که حین تولید و بعد از تولید آن رخ داد، قصد تولید سریالی تاریخی از روی کتاب «بامداد خمار» داشت که بعد از رسانه ای شدن آن به سرعت تولید چنین سریالی را تکذیب کرد و به سمت طرح های دیگری رفت.

** «جیران» و روایت دوره ناصری

بعد از مدتی فتحی که اغلب کارهایش حوزه تاریخ را روایت می کند، از طرحی به نام جیران رونمایی کرد. طرحی که موضوع آن به اوایل دوره ناصری و سال ۱۲۶۸ برمی‌گردد.

جیران یکی از زنان دربار ناصرالدین شاه و سوگلی قبله عالم است که در سال های ابتدایی حکومت ناصر الدین شاه زندگی می کرده است. شخصیت او در واقعیت تاریخ وجود داشته است و در کنارش تعدادی شخصیت های دیگری هم حضور دارند که در تاریخ ما به ازا داشته اند.

** شخصیت های واقعی در سریال حضور دارند

ناصرالدین شاه، جیران، میرزا آقاخان نوری صدراعظم ایران بعد از امیرکبیر، ملک‌جهان خانم مهدعلیای ایران، ملک‌زاده خواهر ناصرالدین شاه، گلین، تاج‌الدوله، شکوه السلطنه و ستاره خانم زنان عقدی ناصرالدین شاه و همچنین عده‌ای از رجال و نسوان اوایل عهد ناصری از جمله خدیجه همسر محمد شاه، از شخصیت‌های اصلی و فرعی این سریال هستند که در واقعیت تاریخ نیز حضور داشتند.

** هیچ قلعه‌ای محکم‌تر از عشق نیست

در خلاصه داستان این سریال آمده است: «زنهار که طراز

و طریقت گم شده و مجاز و حقیقت به هم آمیخته. سهم رعیت کابوس است و سهم سلطان تخت طاووس. کجاست تدبیر کریم‌خان که تاج شاهی پس بگیرد از ما ندانم‌کارها؟ کجاست شمشیر نادر که انتقام بکشد از ما خراب‌کارها؟ مملکت آشفته است و امیرکبیر در گور خفته است. هر نامی آبستن ننگ است و هر صلحی آبستن جنگ. آدمیزاد قبله عالم هم که باشد پناه می‌خواهد. قلعه‌ای می‌خواهد که جان‌پناهش باشد. برای اولاد آدم هیچ قلعه‌ای محکم‌تر از عشق نیست. بدهید همه‌جا جار بزنند که: ایهالناس! دیروز در حوالی تجریش پادشاه شما عاشق شد ...»

** عفیفه: «جیران» متوقف نشده است/ آغاز تولید بعد از اعلام وضعیت عادی

در همین زمینه با «اسماعیل عفیفه» تهیه کننده سریال «جیران» صحبت کردیم. او در گفت‌وگو با خبرنگار رادیو و تلویزیون خبرگزاری فارس، با اشاره به مراحل تولید این سریال گفت: در این مدت هیچ اتفاق خاصی درباره سریال جیران نیفتاده است و الان به خاطر کرونا همه تولیدهای سریال ها و فیلم های سینمایی متوقف شده است.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه بخشی از کارهای پیش تولید این سریال را قبل از کرونا انجام دادیم در حال حاضر هم منتظر هستیم که بعد از اعلام شرایط عادی تولید سریال را آغاز کنیم. این سریال متوقف نشده است و به امید خداوند به مرحله تولید می رسد.

** عشق و سیاست در کنار هم

این سریال نیز در ادامه کارهای قبلی فتحی به قلم فتحی و احسان جوانمرد که پیش از این نگارش سریال بانوی عمارت را در بستری تاریخی به عهده داشت، ساخته می شود و به طور قطع رگه های سیاسی و مسائل مهم اجتماعی از مهمترین بخش هایی است که به آنها پرداخته خواهد شد.

** بهرام رادان و اولین همکاری با فتحی

طبق شنیده ها قرار است بهرام رادان در این سریال در نقش ناصرالدین شاه ظاهر شود و در کنار او بابک حمیدیان نقش ملیجک او را دارد. تاریخی ترین فیلمی که رادان تجربه کرده، راه آبی ابریشم است و تا به حال سریال تاریخی بازی نکرده است و این اولین تجربه بازی او در چنین سریال هایی به شمار می رود. آخرین حضور این بازیگر در عرصه سریال سازی به بازیش در سریال رقص روی شیشه برمی گردد که اتفاقا این سریال و بازی او دچار حاشیه شد و بعد از بازی در دو سه قسمت ابتدایی از حضور در این سریال کناره گیری کرد.

** ایزدیار در نقش «جیران»/ تقابل رادان و ایزدیار برای اولین بار

اینطور که پیداست اغلب نقش های محوری این سریال بر دوش خانم ها است. پریناز ایزدیار که پیش از این در سریال های زمانه و شهرزاد به عنوان بازیگر نقش اصلی حضور داشته است این بار هم در جیران ایفاگر یکی از شخصیت های اصلی داستان است و قرار است نقش شخصیت جیران که همسری ناصرالدین شاه است را بازی کند. ایزدیار در این سریال با گریمی متفاوت مقابل دوربین فتحی قرار می گیرد. گریمی که او را یک دختر دهه ۹۰ ای با صورتی که جراحی زیبایی شده نشان می دهد. ایزدیار در این سریال برای اولین بار با بهرام رادان هم بازی می شود، جیران و ناصر الدین شاه دو شخصیتی هستند که ایزدیار و رادان قرار است در مقابل یکدیگر ایفایش کنند.

** آزادی ور و اولین همکاری با فتحی

درباره الی، محمد رسول الله، خشم و هیاهو، حریم شخصی، لونه زنبور، در وجه حامل، چهار راه استانبول و ... از مجموع کارهایی بود که آزادی ور تا به حال در آنها ایفای نقش کرده است. نکته جالب این است که او تا به حال در هیچ سریالی حضور نداشته و «جیران» اولین سریالی است که او می خواهد توانایی اش را در این مدیوم محک بزند.

به طور معمول بعد از انتخاب بازیگران هر سریالی عکس تست گریم آنها در رسانه ها منتشر می شود اما در مورد جیران این اتفاق نیفتاد و به محض انتخاب هر کدام از بازیگران تصویری نقاشی شده از بازیگر مربوطه منتشر شد.

** تولید سریال در چند فصل

از آنجایی که سریال های اینچنینی قابلیت ادامه دار شدن در سه فصل یا بیشتر را دارند و شهرزاد هم به همین شکل تولید و عرضه شد، هنوز معلوم نیست که جیران قرار است در چند فصل تولید و پخش شود.

** ساخت دکور در شهرک سینمایی

از چندی پیش که طرح این سریال تصویب شد گروه تولید در شهرک سینمایی مشغول ساخت دکورهایی هستند و این روزها که اغلب گروه های سریال سازی در توقف تولید به سر می برند بخشی از دکورهای این سریال آماده شده است.

خبر

«زیرخاکی»، شروع عصر تازه کمدی‌سازی در تلویزیون

ایمان عبدلی

«زیرخاکی»، ساخته جلیل سامان تا اینجا و بنا به آمار رسمی پربیننده‌ترین سریال ماه رمضان امسال است. البته پیش‌بینی پرمخاطب شدن یک سریال طنز دشوار نیست و درباره «زیرخاکی» هم اتفاق غیرقابل پیش‌بینی نیفتاده، اما این دلیلی نمی‌شود که ارزش‌های کار را زیر سوال ببریم، «زیرخاکی» تقاطع چند ساخت کمیک است که منجر به عرضه یک مجموعه نسبتا موفق شده.

انتخاب یک برهه تاریخی ملتهب و متشنج برای تعریف کردن یک داستان طنز هم دشوار است و هم تهدیدی‌ست که می‌تواند تبدیل به فرصت شود. در واقع جلیل سامان که پیش از این در «ارمغان تاریکی»، «پروانه» و «نفس» هم فضاهایی مشابه را تجربه کرده بود، این بار با طنز به سال‌های انقلاب نقب زده.

هر چقدر که ساخت ملودرام در آن سال‌ها ساده‌تر است، ساخت طنز کمی راه رفتن روی لبه تیغ است. خصوصا این که طنز و کمدی اگر با احاطه ایدئولوژی همراه باشد، مخاطب را پس می‌زند. «زیرخاکی» اما با یک دوقطبی سعی کرده از دست ایدئولوژی فرار کند؛ یک طرف کار فریبرز است که در میانه انقلابی‌گری و غلیان شور تغییر مردم کوچه و خیابان، اتفاقا دائما همه را پرهیز می‌دهد و تماما فکر زندگی خودش و پری‌چهر است، از آن طرف فرهاد اما چیزی جز اندیشه سیاسی ندارد و تمام اراده‌اش معطوف به تغییر نظم اجتماعی است.

زیرخاکی» به محض این که به یکی از این دو طرف بغلتد، کارش برای نگه داشتن مخاطب دشوار می‌شود، کار هنر تصویر و بازنمایی برهه‌هایی مختلف از زندگی روزمره است و جلیل سامان به درستی تا اینجای کار قضاوت را به مخاطب سپرده. حرکت روی این لبه تیغ، اما دائما باید با تزریق تمهیداتی باشد که در درجه اول کشش داستانی ایجاد کند و در درجه بعدی نمکین باشد. کُنه اصلی قصه، یافتن زیرخاکی توسط فریبرز است که البته در این بخش این نقد وارد است که سریال در بخش‌هایی دچار سکون روایی می‌شود و تعلیق و کمدی‌اش از تعادل خارج می‌شود. شاید عمده‌ترین نقد به «زیرخاکی» همین باشد که گاها درجا می‌زند و روایت حرکت طولیِ متناسبی ندارد، در اصطلاح عامیانه کسل‌کننده می‌شود.

هر چند که وجود گونه‌های مختلف کمدی در داستان، برگ برنده سریال است. از لحن که در شخصیت توران خانم با بازی گوهرخیراندیش و عقبه‌ی شیرازی‌اش به خوبی گنجانده شده تا کمدی اسلپ‌استیک که در چُلُفت‌بازی‌های فریبرز ظهور پیدا می‌کند. از کمدی تضاد میانِ زوج داستان، فریبرز و پری‌چهر که دائما با دیالوگ و بهره‌گیری از طنز کلامی موقعیت طنز ایجاد می‌کنند تا تمهیدات ساده و پرتکرار، مثل اشتباه گرفته شدن یک آدم معمولی با یک آدم انقلابی یا درست نشنیدن نام کاوه توسط پدر فریبرز.

«زیرخاکی» البته در بهره‌گیری از تمهیدات همیشه‌پسند کارهای تصویری، مثل موسیقی و رقص هم کم نمی‌گذارد و دائما و به انحای مختلف صدای ملودی موسیقی‌های کوچه‌بازاری آن دوران می‌شنویم. مثل چند کار از جواد یساری که حین رانندگی فریبرز و یا وقت‌های حفر زمین شنیده‌ایم و یا آن سکانس رقص فریبرز و فرهاد حین مواجهه با روستایی‌ها.

این‌ها همه هوشمندی‌هایی‌ست که در فیلمنامه گنجانده شده، علاوه بر این‌ها تلاش‌های کارگردان برای خلق میزانسن‌های خاطره‌انگیز و در عین حال درست، قابل توجه است. در نظر بگیرید در همین صداو سیما مجموعه «کیمیا» را داشتیم که کلی گاف ریز و درشت از میزانسن‌هایش بیرون زده بود، آن هم در مجموعه‌ای ملودرام که قاعدتا پایبندی‌های بیشتری به رئالیسم دارد، اما خب در «زیرخاکی» این تعهد به خلق فضایی واقعی گرچه با فیلتری نوستالژیک، بیشتر دیده می‌شود.

ناگفته نماند که برای سنجش موفقیت «زیرخاکی» هنوز زود است و آرزوی موفقیت برای این تیم، شاید آرزوی موفقیت برای کلیت صدا و سیمایی‌ست که پس از کوچانیدن ستاره‌های بی‌تکراری مثل عطاران، سال‌هاست که در عرصه طنز به مشکل برخورده و اگر نبود مجموعه‌ای مثل «پایتخت» که رسما دست تلویزیون خالی بود، ورود نفرات جدید به این حوزه که مترادف با تزریق نگاه‌های تازه است، می‌تواند رنگ‌بندیِ کارهای کمدیِ تلویزیون را تنوع ببخشد و در عین حال مخاطب را هم پای تلویزیون بنشاند.

حسام الدین سراج:

صداوسیما اجازه پخش اذان با صدای مرا نداد

بخش فرهنگی – حسام الدین سراج با انتشار اذان (با صدای خودش)در اینستاگرام، گفته صدا و سیما اجازه پخش این اثر را نداده است.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، حسام الدین سراج، خواننده موسیقی سنتی ایران با انتشار پستی در صفحه شخصی اینستاگرامش خبر از جلوگیری صداوسیما از پخش اذانی داد که وی با صدای خودش ضبط کرده بود. سراج دلیل این اقدام صداوسیما را توضیح نداد اما از این که به گفته خودش «توفیق سرودن نوای عشق و ایمان» را پیدا کرده ابراز خشنودی کرد.

گفتنی است این قطعه حدودا یک سال قبل و در آستانه ماه رمضان منتشر شد. حسام الدین سراج در ارتباط با این اثر نیز چنین توضیح داده بود:" این اذان با درآمدی در گوشه بوسلیک آغاز می‌شود و سپس در اوج و یکی دو پرده پایین در حجاز ادامه می یابد و نهایتا در فرود با بوسلیک به پایان می رسد.